

شاخص انقلاب اسلامی

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) 1389/03/14

• برای اینکه این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهائی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده‌ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.



بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت(ع) 1390/03/03



• یکی از مهمترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این همه مزاحمت، با این همه معارضة، با این همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است. به برکت بیان

روشن و رسای امام بزرگوارمان - که خوشبختانه مضبوط هم هست - تفسیر و تأویلی وجود ندارد؛ راه، راه مستقیمی است؛ این راه را انقلاب پیش رفته است. و من به شما عرض بکنم؛ تا آن وقتی که من و شما قدمهامان را محکم بر میداریم، چشممان را از هدف برنمیداریم، با امید حرکت میکنیم، هیچ قدرتی در دنیا نمیتواند راه ما را سد کند؛ و همین در رویاندن شکوفه‌های امید در دل مسلمانان و ملت‌های اسلامی بیشترین اثر را داشته است.

شاخص اول: انقلاب از خط مستقیم مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است.

در دهه‌ی 60 میلادی تقریباً در همین کشورهای شمال آفریقا انقلاب شد - در مصر، در سودان، در تونس، در الجزائر - لیکن دیری نپائید؛ یا آدمهائی که در رأس کار بودند و سررشته‌دار انقلاب بودند، یک جور زیر پاشان جارو شد، رفتند، جای خودشان را به دست‌نشانگان دادند، یا خود آنها دست‌نشانده شدند. زخارف دنیا انسانها را راحت که نمیگذارد؛ این وسوسه‌ها به طور دائم در دل انسان مشغول کار و فعالیتند. اگر زره و سپر تقوا نباشد، اینها در انسانها زود اثر میگذارد؛ راه‌ها عوض میشود. لذا امیدها که بر اثر انقلابها میشکند، بر اثر ارتجاعها افسرده میشود؛ یک بهار زودرسی است و تمام میشود.

خصوصیت این انقلاب عظیم اسلامی که شما ملت ایران راه انداختید، این بود که به فضل الهی آن

بهار تا امروز خزان نداشته. این ایستادگی، این ثبات، این تداوم، این پایبندی به ارزشها و اصولی که انقلاب برای این مردم آورد، همان چیزی است که امیدها را در دل‌های ناظران در سرتاسر دنیائی که می‌بینند و نگاه میکنند، پایدار میکند. این اتفاق در انقلاب ما افتاده است.

بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) 1389/04/05

• امیرالمؤمنین در آن لحظه‌ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهیب میزند: «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام می‌دهید، این را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرفهای فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبار آلودگی است، مه آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بی‌پنه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.

شاخص دوم : اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد.

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنها را نباید خورد. این، خط روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خط روشن را احتیاج داریم.

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاهها 1389/04/02

♦ - زیادتر نگوئید از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید. منصف باشیم؛ عادل باشیم. اینها آن وظائف ماست. اینجور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون انقلابی هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره - به خیال ما و با تشخیص ما - کمتر

شاخص سوم : از آنچه که باید و شاید.
منصف باشیم؛ عادل باشیم. عدالت در
گفتار و رفتار

است، حق داریم که درباره اش هر چی که میتوانیم بگوئیم؛ نه، اینجوری نیست.

♦ - آنچه که مهم است فراموش نشود، اهداف و شاخصهای اصلی است. این را بارها گفته ایم و امروز هم یکی از اساتید محترم، اینجا گفتند؛

شاخص چهارم : استکبارستیزی؛

استکبارستیزی؛ ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق - نه فقط در کشور، بلکه در سطح جهان - مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دشمنان دین؛ اینها شاخص است. اگر کسی مرزبندی شفاف نمیکند، قدر خودش را کاهش میدهد؛ اگر گرایش پیدا میکند، از دایره خارج میشود. اینها آن مبانی و آن خطوط اصلی است. حرکت انقلاب، حرکت روشنی است، حرکت رو به جلوئی است و این حرکت ان شاء الله ادامه پیدا خواهد کرد.

خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) 1389/03/14

♦ - عنوان «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا» - منحرف نشوید، از راه برنگردید - خطاب سختی است که به خود پیغمبر است. این خطاب، دل پیغمبر را می لرزاند. این به خاطر همین است که تغییر جهتگیری ها

شاخص اول : حفظ جهت انقلاب از
زمان انقلاب تا آینده .

و منحرف شدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهتگیری هاست و در واقع، سیرت انقلابها همین جهتگیری های اصلی است - بکلی راه را عوض میکند و این انقلاب به هدفهای خود نمیرسد. اهمیت این قضیه از این باب است که تغییر جهتگیری ها تدریجی است، نامحسوس است؛

اینجور نیست که از اول کار، این تغییر جهتگیری با 180 درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه‌های خیلی کوچکتر، این تغییر شروع میشود؛ هرچه ادامه پیدا میکند، فاصله‌ی راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روزبه‌روز بیشتر میشود. این یک جهت است.

• برای اینکه این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده‌ی مردم شناخته میشود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

• در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق میکند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند،

رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه‌ی امام آشکارا همه‌ی مافی‌الضمیر امام را برای آینده‌ی انقلاب تبیین میکند.

یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریائی یا در یک بیابان که جاده‌ای هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر میماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم میشود؛ هر کسی به سلیقه‌ی خود، به میل خود حرفی میزند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده میکنند، راه را جوری تبیین میکنند که ملت به اشتباه بیفتد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر

رضوی 1389/01/01

- ♦ اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده‌ی

این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛ ایمان

به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و سلوک در صراط

مستقیمی که انبیاء الهی در مقابل پای مردم قرار

دادند. اساس، ایمان استآن چیزی که به عنوان

شاخص، میان نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و

همه‌ی جوامع بشری وجود دارد، در درجه‌ی اول این نکته است؛ مسئله‌ی ایمان به خدا، ایمان به

غیب، ایمان به راهی که خداوند متعال برای سعادت دنیوی و اخروی انسان در مقابل بشر قرار داده

است. اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظامهای گوناگون عالم سخنی برای گفتن دارد،

مطلبی برای تحدی در قبال نظامهای مادی در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، به خاطر همین

است که شاخص عمده، ایمان است. - ♦ اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان

را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه‌ریزی‌ها و در همه‌ی اقدامها.

اساس حکومت اسلامی و شاخص عمده‌ی

این حکومت عبارت است از استقرار ایمان؛

ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیاء و

سلوک در صراط مستقیمی که انبیاء الهی

در مقابل پای مردم قرار دادند. اساس،

ایمان است.

بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 1388/10/29

- ♦ وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً

اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با

عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال میبرند،

وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این

است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص

کنند. دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضا است؛

این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمن دشمن است؛

مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص

انتظار از خواص این است که

مرزشان را مشخص کنند،

موضعشان را مشخص کنند.

دوپهلو حرف زدن، کمک کردن

به غبارآلودگی فضا است؛

است: کی به شفاف‌سازی کمک میکند و کی به غبارآلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 1388/09/22

♦ - شعارها دشمن در دهان خودی شاخصی برای تشخیص آسیب دیدن خودی هاست.

شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این،

شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود.

کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند.

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. چرا متنبه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛

آیا میشود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1388/06/20

♦ - منتها مسئله این است که ببینیم موافقین یک حکومت کی‌هایند، مخالفین این حکومت کی‌هایند؛ این شاخص است.

مسئله این است که ببینیم موافقین یک حکومت کی‌هایند، مخالفین این حکومت کی‌هایند؛ این شاخص است.

یک حکومتی هست که هرچه غارتگر بین‌المللی است، با او مخالف است؛ هرچه زورگوی بین‌المللی است، با او مخالف است؛ هر دولت دارای سابقه‌ی سیاه استعمارگری با او مخالف است؛ هر سرمایه‌دار

صهیونیست خبیثی با او مخالف است. خوب، این مخالفتها مایه‌ی افتخار است؛ اینها که نباید کسی را بترساند. موافقینش کی‌هایند؟ ملت‌های مؤمن در سرتاسر دنیا موافق با او هستند؛ ملت‌های مسلمان، غیر ایرانی؛ در آفریقا، در کشورهای آفریقای شمالی، در نقاط مسلمان‌نشین آفریقا، در آسیا، تا اندونزی، تا مالزی، در کشورهای عربی، غیر عربی، در اروپا، جماعت‌های مسلمان، ملت‌های مسلمان، دوستدار او هستند، هوادار او هستند.

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت 1388/06/16

• یک مسئله‌ی دیگر هم - که حالا دارد صحبت ما طولانی میشود - مسئله‌ی فرهنگ قانونمداری در کشور است. ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل‌الخطاب محسوب شود. اگر ما قانونمدار باشیم،

ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل‌الخطاب محسوب شود.

واقعاً این، زندگی مردم را روان خواهد کرد؛

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان 1388/02/27

• اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی میداند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛

اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی میداند؛ دارای دنیا و آخرت؛

پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهم دنبالگیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود بخاطر دنبالگیری از دنیا.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان 1388/02/27

هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کنندهی
کنندهی استقلال کشور باشد؛
این باید بعنوان یک شاخص به
حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شوندهی

برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمیشود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

شاخصهای هویت اسلامی
پرهیز از اشرافیگری
- شاخصهای هویت اسلامی
عدالت‌طلبی، شاخص ساده‌زیستی مسئولان، شاخص کار و تلاش
مخلصانه، شاخص طلب و پویائی علمی بی‌وقفه، شاخص
ایستادگی قاطع در مقابل طمع‌ورزی و سلطه‌ی بیگانگان،

شاخص دفاع از حقوق ملی. از حقوق ملت، دفاع شجاعانه کردن یک شاخص است؛ مثل همین حق هسته‌ای؛ مسئله‌ی هسته‌ای. این یکی از ده‌ها نیاز کشور ماست؛ تنها مسئله‌ی ما نیست؛ اما وقتی دشمن روی این نقطه متمرکز شد، ملت هم ایستادگی کرد. در این نقطه‌ای که دشمن روی او تمرکز پیدا کرده است، اگر ملت عقب‌نشینی کند، اگر مسئولین عقب‌نشینی کنند و از این حق قطعی و روشن صرف‌نظر کنند، بدون تردید راه برای دست‌اندازی به حقوق ملی برای دشمن باز خواهد شد.

اجتناب از اشرافیگری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضی‌ها سعی کردند کم‌رنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما

اثر دارد. اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافیگری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافیگری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافیگری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است. این یکی از شاخصهاست.

- * مسئله‌ی ارزش جهاد و شهادت، یکی دیگر از شاخصهاست. ارزش مجاهدت، مقام والای شهادت، از جمله‌ی چیزهایی بود که به وسیله‌ی عناصری - کسانی، دستهایی - زیر سؤال رفت. جهاد را زیر سؤال بردند، شهادت را زیر سؤال بردند. این، یکی از

مسئله‌ی ارزش جهاد و شهادت، یکی دیگر از شاخصهاست.

شاخصهاست؛ باید برجسته شود. احترام به شهیدان، احترام به جهاد و مجاهدان بایستی جزو بخشهای برجسته‌ی پرچم جمهوری اسلامی قرار بگیرد. جمهوری اسلامی به جهاد و شهادت شناخته میشود.

- * اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشارکت مردم. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند.

اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشارکت مردم.

بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.

- * شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخصهاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان -

شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخصهاست.

پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین میرود و این ظرفیت هم نابود میشود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت

باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمیکنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمیکنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.

• - نزدیکی با ملت‌های مسلمان. ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند. چرا تبلیغات عجیب و غریب آمریکائی و انگلیسی سعی میکنند بین ملت‌های مسلمان با ملت ایران جدائی بیندازند؟ چرا؟ با مسئله قومیت، با مسئله سنی، شیعه؟ چون میدانند آنها عمق راهبردی و عمق

نزدیکی با ملت‌های مسلمان.
ملت‌های مسلمان عمق
استراتژیک نظام جمهوری
اسلامی‌اند

استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب میشوند. تکیه‌گاه یک ملت به عمق استراتژیک اوست.

حالا شما نگاه کنید در این نوشتجات آدم‌های یا کوتاه‌نظر - که خوشبینانه‌اش این است که بگوئیم کوتاه‌نظرند - یا اگر بدبینانه نگاه کنیم، مغرض و خائن، که از ارتباط جمهوری اسلامی با مردم لبنان، با مردم عراق، با مردم افغانستان، با مردم فلسطین، صریحاً و بارها انتقاد کرده‌اند و انتقاد میکنند. دیده‌اید شما، متأسفانه در مطبوعات ما و در بعضی از تریبون‌های سیاسی، که این چیزها گفته میشود. این ضدیت با یکی از شاخص‌های اساسی جمهوری اسلامی است. نه، جمهوری اسلامی منافع ملت‌های مسلمان را منافع خودش میدانند؛ با آنها مرتبط است، از آنها دفاع میکند؛ از مظلوم دفاع میکند، از ملت فلسطین دفاع میکند؛ اینها شاخص‌هاست و اینها بایستی برجسته شود. دانشجو و دانشگاهی، بخصوص دانشجو میتواند در این میدان نقش‌آفرین باشد؛ میدان حفظ شاخص‌ها، برجسته کردن شاخص‌ها و مختصات حقیقی جمهوری اسلامی؛ غیر از مختصات ظاهری که اسم‌ها و مقامات رسمی و حقوقی و اینهاست. شما میتوانید سهیم باشید، میتوانید اقدام کنید. و البته و خوشبختانه، ملت ما ملت بیداری است.

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس 1387/02/13

پاسداشت خون شهدا و راهی
که برای آن جان خود را فدا
کردند.

♦ - اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما
گرامیند - که گرامی‌ترینند - گرامیداشت آنها به معنای این
است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنبال کنیم.
دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و

ارزشهای اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخصهای نمایان که می‌تواند این ملت را به اوج
افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم.

و الا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی
و نمک‌نشناسی است. نمک‌شناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این
راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی ماست و ملت ایران این وظیفه را انجام می‌دهد و
مسئولین کشور بحمدالله به این وظیفه متعهد و پایبندند و شعارهای اسلامی و مبانی و اصول اسلامی
برای آنها اصلی‌ترین پرچمها و شعارهاست. ان‌شاءالله این ملت با این عزم، با این روحیه، با این جوان
و با این مشعلهای درخشانی که از خون شهیدان برافروخته شده و فضا را روشن کرده، خواهد توانست
به بلندترین و دورترین آرزوهای خودش برسد.

پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان 1385/12/01

شاخص های اصلی این راه،

♦ - شاخص های اصلی این راه، پایبندی به تکلیف شرعی،
شجاعت در اقدام، حزم و حکمت در تدبیر، و صداقت و وفاداری
به مردم است و عدالت اجتماعی، سلامت اخلاقی، پیشرفت علمی،

قدرت و ثروت ملی، از جمله ی مهمترین هدفهای این نظام اسلامی است.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان 1385/08/18

معیارهای ویژه‌ی جمهوری
اسلامی

• - معیارهای ویژه‌ی جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در
زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان دوستی و
ارتباطات و عواطف بشری را در نظر گرفت و اینها را هم بایستی

جزو معیارهای پیشرفت دانست.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا 1384/03/03

نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار
و دل دادن به مجاهدت و
همچنین همبستگی و همدلی
شماها با هم است.

• - نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار و دل دادن به مجاهدت
و همچنین همبستگی و همدلی شماها با هم است. نقطه‌ی
ضعف او این است که در مقابل نیروی ملی یک ملت هیچ
ابزاری ندارد. ابزار نظامی فایده و پیشرفتی ندارد؛ این را دشمن
می‌داند. دشمن درصدد است این مقاومت را درهم بشکند؛
درصدد است این ایمان را تضعیف کند؛ درصدد است

همبستگی ملی و همدلی را از بین ببرد. اگر دیدید کسی از دل دادن به بیگانه و رها کردن ایمان و
مقاومت و وحدت حرف می‌زند، بدانید از زبان دشمن دارد حرف می‌زند؛ چه بداند، چه نداند. همه‌جا
این معیار و شاخص به درد من و شما می‌خورد که بدانیم در کجا و چگونه داریم زندگی می‌کنیم؛
محیط و زمان خود را بشناسیم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1383/08/06

دشمنان با بهانه گیری بیجا در
مسائل مختلف می‌خواهند
مسئولین را از کار اساسی
بازدارند. بهانه گیری در بحث
هسته ای

• - یکی از اهداف عمده‌ی اینها از بحث انرژی هسته ای
این است که نظام اسلامی را مشغول کنند؛ ذهن مدیران،
مسئولان، مجلس، دولت و دست‌اندرکاران گوناگون را از
مسائل جاری و کاری کشور در بخشهای مختلف - چه بخش
قضایی، چه بخش اجرایی، چه بخش تقنینی - منصرف و

غافل کنند. این مسأله هم که حل بشود، باز مسأله‌ی دیگری درست خواهد شد!

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام
خمینی(ره) 1383/03/14

یکی از این خطوط این است
که در مکتب سیاسی امام،
معنویت با سیاست در هم
تنیده است.

• - مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. یکی از این
خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با
سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از

سیاست جدا نیست؛ این که از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای
تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید
پیروزی در همه‌ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی
علاقه‌مند بود - نه این که علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود - اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش
می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود،
لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مأیوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد. اینها
خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و
تزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی،
تعیین‌کننده‌ی راه و جهتگیری او نمی‌شود. کسی که سیاست را با عرفان جمع می‌کند و معنویت
را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می‌دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛
ترس از شکست هم معنا ندارد. این درست نقطه‌ی مقابل سیاست کهنه شده و از مد افتاده‌ی غربی
است که بدروغ آن را سیاست مدرن می‌گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از
معنویت. تمدن غربی بر پایه‌ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛

• - شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛
هم کرامت انسان، هم تعیین‌کننده بودن اراده‌ی انسان. در
مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت
است، هم قدرتمند و کارساز است.

شاخص دوم در مکتب سیاسی
امام، اعتقاد راسخ و صادقانه به
نقش مردم است

در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است.

• شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله‌ی ولایت فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده‌اند مسأله‌ی ولایت فقیه را نادرست، بد و

شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزشهاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله‌ی ولایت فقیه روشن کردند.

برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته‌ها و توقعات غیرمنطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار.

• پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی و عالی‌اش، مهمترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است.

آخرین نکته‌ی که به‌عنوان شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام عرض می‌کنم، مسأله‌ی عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه‌ی برنامه‌های حکومت - در قانونگذاری، در اجرا، در قضا -

پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدفهای آرمانی که مهمترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است.

شاخصه‌ی مکتب سیاسی امام ، مسأله‌ی عدالت اجتماعی است.

باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد.

بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان 1382/10/24

• درباره اختلاف نظرهایی که بین شوراهای نظارت و شورای مرکزی نظارت و وزارت کشور وجود دارد - همیشه این اختلاف نظرها وجود داشته - بنده توصیه‌ام به طرفین همیشه این بوده و هست که ملاک را قانون قرار دهند؛

برای رفع اختلاف نظر ها ، ملاک را قانون قرار دهند؛

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1382/08/23

عدالت و تقوا شاخصی از
زندگی امام علی علیه السلام .

♦ - در زندگی جمعی و حکومتی امیرالمؤمنین، نقطه‌ی بارزتر از همه چیز «عدالت» است. همچنان که در عمل فردی امیرالمؤمنین نقطه‌ی بارز تقواست، در عمل حکومتی و سیاسی و شأن خلافت امیرالمؤمنین، بارزترین نقطه، عدالت است. این برای ما که خود را پیرو امیرالمؤمنین می‌دانیم، نقطه‌ی بسیار با اهمیتی است. ملاحظه‌ی عدالت، اجر نهادن به عدالت و عمل کردن به آنچه مقتضای عدالت است، وظیفه‌ی ماست و باید شاخصه‌ی نظام اسلامی به حساب آید. همه چیز تحت الشعاع عدالت قرار می‌گیرد؛ این منطق امیرالمؤمنین علیه‌الصلوة والسلام است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1382/05/15

- نقطه‌ی قوت شما ایمان و
ایثار و دل دادن به مجاهدت و
همچنین همبستگی و همدلی
شماها با هم است.

-- ♦ رفع فقر و ایجاد امنیت
مدنی و قضایی

♦ - در زمینه‌ی اقتصادی، چیزهایی که ما به آنها اهمیت می‌دهیم، رونق اقتصادی و اشتغال و کاهش تورم و خودکفایی در مواد اساسی کشاورزی است؛ یعنی امنیت غذایی کشور.

♦ - رفع فقر و ایجاد امنیت مدنی و قضایی هم بسیار مهم است و باید حتماً ملاحظه شود. آزادی باید به شکل منطقی و صحیح در جامعه تأمین شود؛ همان آزادی‌ای که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پرچمش را در دنیای اسلام بلند کرد؛ نه آزادی به شکل افراطی، تقلیدی و من‌درآوردی. کجا بحث آزادی در این منطقه از دنیا مطرح بود؟ در دنیای اسلام، پرچم آزادی را نظام

جمهوری اسلامی بلند کرد؛ در شعارهایش «استقلال» و «آزادی» طنین‌انداز بود.

- نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار و دل دادن به مجاهدت و همچنین همبستگی و همدلی شماها با هم است.

- رفع فقر و ایجاد امنیت مدنی و قضایی

- در زمینه‌ی دیپلماسی، کارآمدی، تحرک بی‌وقفه، جهتدار بودن و حضور فعال در معاهدات

- در زمینه‌ی علمی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم

- در زمینه‌ی فرهنگی، باید به تقویت روحیه‌ی ایمان توجه شود.

- تبیین مبانی ارزشی و تقویت قانون اساسی

- توسعه باید در کنارش عدالت باشد. (

• در زمینه‌ی دیپلماسی، کارآمدی، تحرک بی‌وقفه، جهتدار بودن و حضور فعال در معاهدات و مجموعه‌ها و هسته‌های منطقه‌ای و جهانی مورد نظر است.

• در زمینه‌ی علمی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - که ما دو سه سال است مرتب آن را مطرح کرده‌ایم - باید تحقق پیدا کند. این شعار نیست. من دنبال این قضیه را گرفته‌ام و به همه‌ی مراکزی که ممکن بوده، توصیه کرده‌ام. منتها من کار اجرایی نمی‌کنم؛ کار اجرایی را باید دستگاه‌های اجرایی بکنند. بحمدالله این کار شروع شده؛ اما باید مسأله‌ی تولید علم جدی شود. ما باید در همه‌ی زمینه‌ها - چه علوم طبیعی و چه علوم انسانی - علم تولید کنیم. اتصال علم و صنعت - که من بارها روی آن تأکید کرده‌ام - باید تحقق پیدا کند. همه‌ی اینها ساز و کار دارد و می‌تواند در برنامه گنجانده شود.

در زمینه‌ی فرهنگی، باید به تقویت روحیه‌ی ایمان توجه شود.

تبیین مبانی ارزشی و تقویت قانون اساسی هم مهم است. قانون اساسی مثل ستونها و پی‌های یک بناست.

• (توسعه باید در کنارش عدالت باشد.) در

برنامه، هضم نشدن در اقتصاد جهانی رعایت شود؛ این را توجه داشته باشید. من یکی دو بار دیگر هم تکرار کردم: پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساختهای لازم را برای این کار داشته باشیم، که الان این را نداریم. الان برداشتن تعرفه‌ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی گم شدن و غرق شدن؛

چیزهای دیگری هم در کنار برنامه وجود دارد.

♦ - اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم. این که امام فرمودند «ما می توانیم»، جمله‌ی بسیار مهم و پرمعنایی است.

♦ - وحدت را باید حفظ کرد. من خواهش می‌کنم به مسأله‌ی حفظ وحدت و اتحاد و همدلی اهمیت دهند؛ این یکی از اصول است.

♦ - ابتکار و کار خستگی‌ناپذیر هم یکی از کارهایی است که ما لازم داریم. مهار نفس هم مهم است. در جنگ أحد

می‌دانید چه اتفاقی افتاد. پیروزی پیش آمد، بعد این پیروزی تبدیل به شکست و خسارت شد؛ به خاطر این که جمعی نتوانستند نفس خود را مهار کنند. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «انّ الذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انّما استزّلهم الشیطان ببعض ما کسبوا»؛

مطلب بعد، خدمت‌رسانی به مردم است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم 1381/06/30

♦ - الگوی علوی در حکومت چیست؟

ده شاخصه‌ی مهم را بشود بیان کرد. چند شاخصه اینهاست که من عرض می‌کنم:

♦ - اول، پایبندی کامل به دین خدا و اصرار بر اقامه‌ی دین الهی. این شاخصه‌ی اول است.

♦ - خصوصیت دوم و شاخصه‌ی دوم حکومت امیرالمؤمنین عدالت است؛ عدالت مطلق.

الگوی علوی در حکومت

- پایبندی کامل به دین خدا و

اصرار بر اقامه‌ی دین الهی

- عدالت است؛ عدالت مطلق.

- تقوا برخاسته از اراده‌ی مردم

و خواست مردم

♦ یکی دیگر از خصوصیات و شاخصه‌های حکومت امیرالمؤمنین تقواست. ببینید؛ اینها هر کدام یک پرچم است، هر کدام یک علامت است. تقوا یعنی چه؟ یعنی آن شدت مراقبتی که انسان در اعمال شخصی خود از راه حق هیچ تخطی نکند؛ این معنی تقواست.

♦ تقوا یکی از شاخصه‌های حکومت امیرالمؤمنین، برخاسته از اراده‌ی مردم و خواست مردم است. »

قدرت‌طلبی برای کسانی جاذبه دارد که می‌خواهند خواهشهای نفسانی و هواهای نفسانی خودشان را ارضا کنند، نه برای امیرالمؤمنین.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1380/02/28

♦ نظامی که پیغمبر ساخت، شاخصهای گوناگونی دارد که در بین آنها هفت شاخص از همه مهمتر و برجسته تر است:

♦ شاخص اول، ایمان و معنویت است.

♦ شاخص دوم، قسط و عدل است. اساس کار بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی به حقدار - بدون هیچ ملاحظه - است.

♦ شاخص سوم، علم و معرفت است. در نظام نبوی، پایه‌ی همه چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است. کسی را کورکورانه به سمتی حرکت نمی‌دهند؛ مردم را با آگاهی و معرفت و قدرت تشخیص، به نیروی فعال - نه نیروی منفعل - بدل می‌کنند.

♦ شاخص چهارم، صفا و اخوت است. در نظام نبوی، درگیریهایی برخاسته از انگیزه‌های خرافی، شخصی، سودطلبی و منفعت‌طلبی مبعوض است و با آن مبارزه می‌شود. فضا، فضای صمیمیت و اخوت و برادری و همدلی است.

نظام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

- ایمان و معنویت
- قسط و عدل
- علم و معرفت
- صفا و اخوت
- صلاح اخلاقی و رفتاری
- اقتدار و عزت
- کار و حرکت و پیشرفت
- دائمی

♦ شاخص پنجم، صلاح اخلاقی و رفتاری است. انسانها را تزکیه و از مفسد و رذائل اخلاقی،

پیراسته و پاک می‌کند؛ انسان با اخلاق و مزگی می‌سازد؛ «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة». تزکیه، یکی از آن پایه‌های اصلی است؛ یعنی پیغمبر روی یکایک افراد، کار تربیتی و انسان‌سازی می‌کرد.

♦ شاخص ششم، اقتدار و عزت است. جامعه و نظام نبوی، توسری‌خور، وابسته، دنباله‌رو و دست‌حاجت به سوی این و آن درازکن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است؛ صلاح خود را که شناخت، برای تأمین آن تلاش می‌کند و کار خود را پیش می‌برد.

♦ شاخص هفتم، کار و حرکت و پیشرفت دائمی است. توقف در نظام نبوی وجود ندارد؛ به طور مرتب، حرکت، کار و پیشرفت است.

♦ اتفاق نمی‌افتد که یک زمان بگویند: دیگر تمام شد؛ حال بنشینیم استراحت کنیم! این وجود ندارد. البته این کار، کار لذت‌آور و شادی‌بخشی است؛ کار خستگی‌آور و کسل‌کننده و ملول‌کننده و به تعبیر آورنده‌ای نیست؛ کاری است که به انسان نشاط و نیرو و شوق می‌دهد.

در نظام رسول الله، کار خستگی‌آور و کسل‌کننده و ملول‌کننده و به تعبیر آورنده‌ای نیست؛ کاری است که به انسان نشاط و نیرو و شوق می‌دهد.

پیام نوروزی به مناسبت حلول سال 1380/01/01

♦ همه، بخصوص مسؤولان کشور و دولتمردان و کسانی که باری از بارهای اجتماعی را بر دوش دارند، باید سعی و تلاش کنند تا عمل خود را در جهتی که به همانندی با امیر مؤمنان منتهی می‌شود، منطبق کنند. نام امیرالمؤمنین، نامی گرامی برای همگان است. ملت ما هم به این بزرگوار عشق می‌ورزد؛ و ما اگر بخواهیم خود را عملاً به نقطه‌ی مطلوب اسلام برسانیم، این بهترین نشانه و شاخص برای ماست.

دعوت همه به احساس مسئولیت و کار، باید سعی و تلاش کنند تا عمل خود را در جهتی که به همانندی با امیر مؤمنان منتهی می‌شود

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی 1380/01/01

♦ امیرالمؤمنین شاخص است. در درجه‌ی اول، ما مسؤولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمؤمنین تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم. آحاد مردم نیز همین تکلیف را دارند. عرض کردیم، امیرالمؤمنین، هم یک سیاستمدار و یک مدبر امور است، هم یک شهروند معمولی است.

امیرالمؤمنین شاخص است. در درجه‌ی اول، ما مسؤولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمؤمنین تطبیق دهیم

انقلاب اسلامی الگو و نمونه‌ی خود را از امیرالمؤمنین گرفت.

و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1379/07/14

♦ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با تبعیض. این اساس قضیه است. اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلو نفوذ دشمن با کمال قدرت بسته شود.

سه شاخص عمده : مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با تبعیض.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1378/07/09

♦ گروههای خودی، فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند گروههای خودی، به همان معنایی که در نماز جمعه‌ی قبل معنا کردم؛ یعنی کسانی که اسلام را قبول دارند؛ حکومت اسلامی را قبول دارند؛

گروههای خودی، فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند. گروههای خودی راه ملت ایران را قبول دارند و با ملت همراهند.

آن کسانی که اصل اسلام و حکومت اسلامی را قبول ندارند -

البته این که می‌گوییم اصل اسلام را قبول ندارند، به‌عنوان یک مذهب نمی‌گوییم؛ خیلی از اقلیتهای دینی در کشور ما هستند که اسلام را قبول ندارند؛ اما راه ملت ایران را قبول دارند و با ملت

همراهند - شاخصهای انقلاب و شاخصهای خطّ امام را قبول ندارند، اصلاً منکرند و منتظرند از بیرون این مرزها کسی بیاید و زمام امور کشور را در دست گیرد، منتظرند بیگانه بیاید، منتظرند اوضاع قبل از انقلاب تکرار شود، اینها غریبه‌اند. هر چه شما خودیها با هم نزدیکتر و مهربانتر باشید، غریبه‌ها از شما فاصله‌ی بیشتری خواهند گرفت.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان 1378/06/10

♦ - مقام شهیدان، بسیار والاتر از آن است که ذهنها و دلها و زبانهای ما بتواند به آن برسد؛ ولی همین اظهار نام این بزرگواران، امروز، هم وظیفه است، هم برای دل بستگان به حرکت اسلامی و نظام اسلامی، یک راهنما و یک شاخص است.

شهدا و راه آنها برای ما یک شاخص است. همین اظهار نام این بزرگواران، امروز، هم وظیفه است

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1377/01/12

♦ - جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنّج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقمند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت

در سیاست خارجی روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، منطبق باشد.

و عزت ملت عظیم‌الشان ایران و صیانت از آرامش و سلّم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران 1375/09/24

♦ - شجاعت ورود در میدان جنگ، یک مسأله است و شجاعت مواجه شدن با یک دنیا، یک مسأله‌ی دیگر است. امام حسین علیه‌السلام این دومی را داشت. برای این دومی حرکت کرد. برای همین است که من بارها تأکید کرده‌ام که

شجاعت مواجه شدن با یک دنیا، شاخص قضیه مواجه شدن با یک عظمت پوشالی است که همه‌ی چیزها را هم با خود دارد.

حرکت امام بزرگوار ما، یک حرکت حسینی بود. امام بزرگوار در زمان ما، رشح‌های از حرکت حسینی را در کار خود داشت. حالا بعضی بگویند که امام حسین در صحرای کربلا، تشنه شهید شد؛ ولی امام بزرگوار، با این عزت، حکومت و زندگی کردند؛ از دنیا رفتند و تشییع شدند. شاخص قضیه اینها نیست. شاخص قضیه مواجه شدن با یک عظمت پوشالی است که همه‌ی چیزها را هم با خود دارد. قبلاً گفتم که دشمن امام حسین علیه‌السلام، پول و زور و شمشیر زن و مروج و مبلغ و سینه چاک داشت. عزیزان من! الان وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است. کربلا که به مرزهای آن میدان چند صد متری محدود نمی‌شد. الان همان روز است. همه‌ی دنیای استکبار و ظلم امروز، با جمهوری اسلامی مواجه است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی 1374/04/21

- ارزشهای اسلامی، باید ارزشهای طراز اول و معیار و میزان

- مومنین احساس غریبی در محیط جامعه کردند بدانید بر فضای ناخلی ارزشهای اسلامی حاکم نیست.

ارزشهای اسلامی حاکم نیست.

• در درون خود نیروی انتظامی هم، ارزشهای اسلامی، باید ارزشهای طراز اول و معیار و میزان باشند.

• اگر فرض کنیم در مجموعه‌ای، مثلاً نیروی انتظامی یا یک مجموعه‌ی غیرنظامی، عده‌ای که مؤمن، پرهیزکار، مقید به امانت، پاکدامن و معتقد به انقلابند، و خود را سرباز و مدافع ارزشهای انقلابی و معنوی می‌دانند، احساس کردند که در این مجموعه، غریب و تنها هستند، باید کشف کنید که بر فضای داخلی این مجموعه،

• اما به عکس، اگر کسانی که در این مجموعه، ضد ارزشهای انقلابی و اسلامی هستند و اعتنایی به امانت، پاکدامنی، تقوا، حفاظت از احکام و مقررات اسلامی، دین، عبادت، نماز، حضور و سایر نمادها و شاخصهای معنوی نمی‌کنند، احساس کردند که در این مجموعه تنها و بی‌پشتیبان هستند، این حاکی از آن است که بر فضای درونی این مجموعه، ارزشهای الهی و اسلامی حاکم است. این، یک معیار است و در تمام دستگاههای دولتی و تمام صحن محیط اجتماع، باید این گونه باشد.

♦ اگر مؤمنین، پرهیزکاران، باتقواها، آشنایان به معارف، معتقدین و پایبندان به ارزشهای الهی و اسلامی، احساس کردند که محیط اجتماعی برای آنها محیط راحت و مطلوب و قابل تنفسی است، معلوم می‌شود که در این جامعه، ارزشهای الهی حاکم است. نظام اسلامی باید تضمین کند که ارزشهای الهی حاکم باشد. آیه مبارکه‌ی «الَّذِينَ ان مَكْنَاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اَتُوا الزَّكَاةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»، ناظر به همین معناست؛ چون اگر در محیطی، حکام، فرمانروایان و زمامداران، مردم را به نیکی امر کردند و از بدی باز داشتند و نماز را اقامه کردند، در آن محیط ارزشها رشد می‌کند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم 1372/10/06

♦ امیرالمؤمنین برای کسانی که مسؤول بخشی از بخشهای تشکیلات دولتی هستند، الگوست. گویا در جمع شما، عده‌ای از مسؤولین محترم دستگاههای اداری و دولتی حضور دارند. در هر جا که هستند چه کوچک، چه بزرگ باید کار را با دلسوزی برای مردم انجام دهند. باید بدون منت انجام دهند. و مراجع خود را احترام و تکریم کنند. آنها را تحقیر نکنند. بر آنها منت نگذارند. از آنها توقع نکنند. سلامت دست، سلامت چشم، سلامت زبان، سلامت جیب، بلکه سلامت قلب که از همه‌ی اینها مشکلتر است را از ما خواسته‌اند که داشته باشیم. امیرالمؤمنین در راه احیای انسانها کار کرد.

امام علی علیه السلام هم برای ما شاخص است و هم باید مسئولین باید تلاش کنند به ایشان برسند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1371/10/17

♦ هدف ما، استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه‌ی کارها برای اقامه‌ی عدل، ارزش پیدا می‌کند. در جامعه‌ی نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما

هدف ما، استقرار عدل در جامعه است.

در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است. البته عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است.

♦ - مسؤولین مؤمن و خوب، باید حرکتان به سمت عدالت باشد. این، آن شاخص اصلی است. نکته‌ی دوم، همان نقطه‌ی زهد و ندویدن دنبال دنیای شخصی است. من برای زندگی خودم باید به قضاوت بنشینم و ببینم آیا دنبال دنیای شخصی خودم هستم یا نیستم؟ هر کدام باید به حساب خودمان برسیم. وقتی که در بین مسؤولین و برای مسؤولین صحبت می‌شود، کاربرد، کاربرد شخصی است.

مسؤولین مؤمن و خوب، باید حرکتان به سمت عدالت باشد.

بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم 1370/11/30

♦ - از لحاظ آن چیزی که شاخصه‌ی نظام اسلامی در دنیاست - یعنی عزت، استقلال، مناعت در مقابل کفار، اشداء علی الکفار، رحماء علی المؤمنین - امروز نظام ما یک نظام موفق و پیشرفته است.

عزت، استقلال، مناعت در مقابل کفار، اشداء علی الکفار، رحماء علی المؤمنین.

♦ - این شجاعتی که شما می‌بینید، این یک موهبت الهی است که امروز به وجود آمده است؛ البته در کشورهای اسلامی هم این موجی است که بحمدالله برخاسته است. بنابراین، جمهوری اسلامی در دنیا عزت، استقلال و سربلندی دارد و دشمن احساس می‌کند که این نظام، مستحکم و پولادین است و به این آسانی نمی‌شود آن را لرزاند.

1369/01/02

بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال 69

عبارت از دشمنی اشرار عالم با این انقلاب است. این، یک شاخص است.

— ♦ من دلیل از دلایلی را که خدا برای راهنمایی انسانهای جویای حق در دنیا مجسم کرده و در معرض دید همه گذاشته است، می‌گوییم؛ دلایل بیش از اینهاست. یک دلیل، عبارت از دشمنی اشرار عالم با این انقلاب است. این، یک شاخص است.

شما هر جا در دنیا، کسی یا دستگاهی را پیدا کنید که شریر و شرآفرین باشد، مجسمه‌ی شیطان و منشأ بدی و فساد باشد - چه شرق، چه غرب، چه در میان کشورهای پیشرفته، چه در میان کشورهای عقب افتاده، چه در میان سیاستمداران، چه در میان فرهنگیان و قلم‌به‌دستان و از این قبیل افراد - نسبت به این انقلاب، دشمنی آشتی‌ناپذیر دارند.